

مسئولیت را همچنان بر دوش خودمان احساس می کنیم و امیدواریم با همدلی، همیاری، همفکری و وحدت و انسجام همه مشکلاتی که وجود دارد، حل کنیم. باور من این است که در این مسیر می توانیم مشکلات را حل کنیم. اینگونه نیست که اگر راه را بر ما ببندند، نمی توانیم زندگی کنیم. باید به خودمان برگردیم و تلاش کنیم با اعتماد، باور، وحدت و انسجام این راه را با عزت و سربلندی به پیش ببریم و دست از اختلافات، کینه ها، طعنه ها و حرف هایی که می زنیم، برداریم. آنچه گفتم جهت یادآوری بود؛ همه می دانید، اما چاره ای نیست و باید تکرار کنیم که تبدیل به باور شود. «پزشکیان با بیان اینکه بین گفته و عمل فاصله خیلی زیاد است، افزود: «خیلی از عدالت و خوبی و مهربانی حرف می زنیم، ولی در میدان عمل فاصله داریم؛ باید آنقدر تکرار کنیم تا ملکه وجودمان شود و در عمل اگر جایی و راهی را کج فرقیم، به همدیگر کمک کنیم که با وحدت و انسجام در مسیر باشیم. در این مکان مقدس پیمان می بندیم که با تلاش بیشتر و باور و اعتقاد بیشتر برای حل مشکلات مردمان از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد و چه در داخل و چه در عرصه منطقه و جهان تلاش خواهیم کرد که وحدت و انسجام را روزی به روز محکم تر، قوی تر و عمیق تر کنیم.»

او در پاسخ به تندروها و شهردار تهران که ادعا می کنند: «آب داریم»، گفت: «ما الان مشکل آب داریم گاهی حرف هایی می زنند که ما مشکل نداریم. او که می گوید ما مشکل نداریم، بیایند، این گوی و این میدان. اگر مشکل را حل کند دستش را می بوسیم. پشت سد آب نداریم، زیر سفره های زیرزمینی را هم خالی کرده ایم. حالا اینها می گویند از آسمان آب می آید. شما بیا کمک کن این مشکل مردم را حل کنیم. ما اگر تدبیر نکرده و بر اساس علم و بر اساس آگاهی عمل نکنیم قطع به یقین سیلی خواهیم خورد، هیچ پرو بر گرد هم ندارد. خدابصیرت، عقل، چشم و گوش داده و اگر کسی از این بصیرت استفاده کند، نجات پیدا می کند وگرنه هر بلایی سرمان بیاید مقصر خودمان هستیم نه کسی دیگر. این ماییم که می توانیم درست کنیم یا به خاطر ناتوانی ها و نقصمان می توانیم خرابش کنیم. این بار سنگینی است که بر دوش دولت و مجموعه مجریان نهاده شده و امیدوارم بتوانیم این راه را با قدرت، عزت و سربلندی ادامه دهیم و مشکلات موجود در جامعه را حل کنیم.»

کرده ایم. امروز در مرقد حضرت امام (ره) عهدی می کنیم که نگاه و باور ما باید این باشد که با اعتقاد و باور در صحنه عمل، خدمتگزار مردم عزیزمان باشیم و از کسانی که می دانند و از دست شان کاری بر می آید، برای برون رفت از همه مشکلاتی که در آن درگیر هستیم، کمک بخواهیم نه اینکه حذف شان کنیم و کنارشان بگذاریم. آنچه می تواند ما را در مقابل تمام صدمات و حملات دشمن حفظ کند، اول و آخر وحدت و انسجام ماست. اینکه برویم پشت تریبون و هر چه از دهان مان در آمد به هر کسی بگوییم و تصور کنیم خدمت می کنیم، صحیح نیست. هر کلامی که باعث شود، انسجام و وحدت داخل کشور را و حتی بین مسلمان ها و همسایگان مان را برهم بزند، خیانت به آن راهی است که باید رفت. تمام تلاش رژیم صهیونیستی و آمریکا این است که ما را در درون و مسلمان ها را در کشورهای منطقه رو در روی یکدیگر قرار دهند. بپذیریم که نباید با هم اختلاف داشته باشیم و حتی با همسایگان مان نباید بدخلفی و بداخلاقی کنیم؛ همسایگان ما برادران ما هستند.» رئیس جمهور با اشاره به مطالب بر خی رسانه ها در این رابطه گفت: «با قاطعیت می گویم که همسایگان ما برادران ما هستند. اساساً ما در یک آب و خاک و با هم بودیم و حالا یک مرز بین ما ایجاد شده که برادری ما را نقض نمی کند. بطور ما در محله خود نیز همسایه داریم، اینها نیز همسایگان و برادران ما هستند. این مرزها را امپریالیست ها و زورگوها با تکه تکه کردن کشورها ایجاد کردند، اما مسلمانان باید در مقابل دشمن ید واحد شوند. باید دست به دست هم دهیم، نه اینکه تفرقه ایجاد کنیم، چه در داخل کشور و چه با کشورهای اسلامی؛ ایجاد تفرقه خدمت به همان رژیم صهیونیستی است که دم از مبارزه با آن می زند. اگر ما وحدت داشته باشیم، نیازی به جنگیدن با رژیم صهیونیستی نیست، او جرأت نمی کند به مسلمان ها نگاه چپ کند. این چیزی است که به نظر من باید برایش تلاش کنیم و در عمل نشان دهیم که با تمام وجود دلمان می خواهد به مردمان خدمت کنیم، نه اینکه دنبال پست و قدرت و مقام باشیم.» او با بیان اینکه آنچه از دست مان بر می آید، در طبق اخلاص خواهیم گذاشت و تلاش خواهیم کرد که مشکلات موجود را تا جایی که امکان پذیر است، حل کنیم، بیان کرد: «مجدداً از مقام معظم رهبری و رهنمودهایی که دیروز داشتند، با تمام وجود قدر دانی می کنم. بار سنگین این

محسن آرمین: راه نجات ایران در گرو آشتی ملی است

محسن آرمین، نائبرئیس جبهه اصلاحات، در نطق پیش از دستور جلسه دیروز جبهه اصلاحات ایران به تحلیل بیابنه جبهه اصلاحات و واکنش های صورت گرفته پرداخت. او گفت: «بیابنه اخیر جبهه اصلاحات ایران نقدها و واکنش های گسترده ای را در محافل سیاسی داخلی و خارجی و در سطوح رسمی و غیررسمی نظام در پی داشت. نفس این واکنش گسترده بیش و پیش از هر چیز نشان دهنده نقش، و تأثیر گفتمان اصلاح طلبی و جبهه اصلاحات به عنوان فراگیرترین تشکل سیاسی مستقل کشور است و یک بار دیگر پس از انتخابات ریاست جمهوری اخیر بی پایگی تبلیغات هدفمند براندازان و رسانه های فارسی زبان وابسته را به نمایش گذاشت که با شعار پایان دوران اصلاح طلبی و اصلاح طلبان و امتناع سیاست ورزی مؤثر در داخل، به زعم خود کوشیده اند و می کوشند ثقل کنش گری مؤثر سیاسی را به خارج از کشور منتقل کنند. لذا به گمان من صرف نظر از انگیزه ها و مقاصد این نقدها باید از آن ها استقبال کرد و آن را نشانه حیات عرصه سیاست در کشور تلقی نمود. این استقبال البته چنان که خواهم گفت به معنای عدم ارزیابی و تحلیل این نقدها و طبعاً پذیرش یا پاسخ به همه آن ها نیست.» آرمین تأکید کرد: «متأسفانه بسیاری از منتقدان آگاهانه یا نا آگاهانه کوشیده اند این بیابنه را مستقل از شرایط کشور یا براساس تحلیلی غلط از این شرایط یا عدم درک حساسیت این شرایط ارزیابی و نقد کنند در نتیجه به بیراهه افتند. طبعاً چنان که گفته اند کاریک حزب یا تشکل سیاسی بیان فرستری از ایده آل ها و آرمان ها بدون توجه به ظرفیت ها و امکان تحقق آن ها نیست. هنر سیاست ورزی طرح مطالبات و بیان اهداف متناسب با امکانات و محدودیت هاست. اما بیابنه جبهه اصلاحات اساساً از جنس مطالبات یک تشکل سیاسی نیست. این بیابنه دقیقاً بیان الزامات و ضرورت های راهبردی است که شرایط کنونی برای نجات کشور به مجموعه نظام دیکته می کند. حقیقت این است که جنگ اخیر تاریخ سال های پس از انقلاب را به دو بخش قبل از جنگ و بعد از جنگ تقسیم کرده است، با این جنگ مسایل بسیاری آشکار شد. هم ظرفیت ها و توانمندی های بالقوه و بالفعل ایران نمایان شد هم نقاط ضعف و آسیب پذیر به ویژه ناشی از خطاهای فاحش گذشته.» به گفته او: «در باره خطاهایی که در اداره کشور در سطوح داخلی و خارجی انجام پذیرفته است، بسیار می توان سخن گفت اما اکنون جای آن نیست فقط در یک جمله می توان گفت تقریباً آنچه را انکار می کردند اتفاق افتاد و آنچه را وعده می دادند محقق نشد. متقابلاً تقریباً همه هشدارهای منتقدان دلسوز متأسفانه رخ داد. ظاهراً همه تحلیل گران و جناح های سیاسی در این واقعیت که رژیم صهیونیستی در تجاوز اخیر به ایران روی نارضایتی های گسترده و شکاف موجود میان حاکمیت و مردم حساب باز کرده بود، اتفاق نظر داشتند. آن نارضایتی ها و اعتراضات، ناشی از زیاده خواهی ملت یا توطئه خارجی نیست. کوتاهی ها و قصورهای فردی مدیران نیز نمی تواند چنین سطح وسیعی از نارضایتی را پدید آورد که دشمن را به طمع اندازد. ریشه این نارضایتی ها باید در شیوه حکمرانی و سیاست ها و رویکردهای کلان در اداره کشور در سطوح داخلی و خارجی دید که انبوهی از بحران ها و مشکلات را بر کشور تحمیل کرده است. مواجهه عاقلانه با این واقعیت، تلاش پیگیر برای تقویت ظرفیت ها و توانمندی ها و عزمی صادقانه در پذیرش خطاها و اصلاح مسیر گذشته است.» او با تشریح شرایط پس از جنگ ۱۲ روزه، تأکید کرد: «بیابنه اخیر جبهه اصلاحات در چنین متن و فضایی صادر شد و هدف از آن چنان که گفتم اساساً طرح مطالبات یک جریان سیاسی نبود، چرا که اگر بنا بر طرح مطالباتی بود که حاکمیت آماجگی پذیرش آن را کردار حتی در خواست مرخصی زندانیان سیاسی با قطع بودجه های کلان نهادهای حکومتی و وجودشان هیچ فایده ای برای جامعه ندارند، منطقی به نظر نمی رسد، هدف از این بیابنه تأکید بر ضرورت تغییر رویکرد در فرصت محدود پیش رو از موضع

محسن آرمین، نائبرئیس جبهه اصلاحات، در نطق پیش از دستور جلسه دیروز جبهه اصلاحات ایران به تحلیل بیابنه جبهه اصلاحات و واکنش های صورت گرفته پرداخت. او گفت: «بیابنه اخیر جبهه اصلاحات ایران نقدها و واکنش های گسترده ای را در محافل سیاسی داخلی و خارجی و در سطوح رسمی و غیررسمی نظام در پی داشت. نفس این واکنش گسترده بیش و پیش از هر چیز نشان دهنده نقش، و تأثیر گفتمان اصلاح طلبی و جبهه اصلاحات به عنوان فراگیرترین تشکل سیاسی مستقل کشور است و یک بار دیگر پس از انتخابات ریاست جمهوری اخیر بی پایگی تبلیغات هدفمند براندازان و رسانه های فارسی زبان وابسته را به نمایش گذاشت که با شعار پایان دوران اصلاح طلبی و اصلاح طلبان و امتناع سیاست ورزی مؤثر در داخل، به زعم خود کوشیده اند و می کوشند ثقل کنش گری مؤثر سیاسی را به خارج از کشور منتقل کنند. لذا به گمان من صرف نظر از انگیزه ها و مقاصد این نقدها باید از آن ها استقبال کرد و آن را نشانه حیات عرصه سیاست در کشور تلقی نمود. این استقبال البته چنان که خواهم گفت به معنای عدم ارزیابی و تحلیل این نقدها و طبعاً پذیرش یا پاسخ به همه آن ها نیست.» آرمین تأکید کرد: «متأسفانه بسیاری از منتقدان آگاهانه یا نا آگاهانه کوشیده اند این بیابنه را مستقل از شرایط کشور یا براساس تحلیلی غلط از این شرایط یا عدم درک حساسیت این شرایط ارزیابی و نقد کنند در نتیجه به بیراهه افتند. طبعاً چنان که گفته اند کاریک حزب یا تشکل سیاسی بیان فرستری از ایده آل ها و آرمان ها بدون توجه به ظرفیت ها و امکان تحقق آن ها نیست. هنر سیاست ورزی طرح مطالبات و بیان اهداف متناسب با امکانات و محدودیت هاست. اما بیابنه جبهه اصلاحات اساساً از جنس مطالبات یک تشکل سیاسی نیست. این بیابنه دقیقاً بیان الزامات و ضرورت های راهبردی است که شرایط کنونی برای نجات کشور به مجموعه نظام دیکته می کند. حقیقت این است که جنگ اخیر تاریخ سال های پس از انقلاب را به دو بخش قبل از جنگ و بعد از جنگ تقسیم کرده است، با این جنگ مسایل بسیاری آشکار شد. هم ظرفیت ها و توانمندی های بالقوه و بالفعل ایران نمایان شد هم نقاط ضعف و آسیب پذیر به ویژه ناشی از خطاهای فاحش گذشته.» به گفته او: «در باره خطاهایی که در اداره کشور در سطوح داخلی و خارجی انجام پذیرفته است، بسیار می توان سخن گفت اما اکنون جای آن نیست فقط در یک جمله می توان گفت تقریباً آنچه را انکار می کردند اتفاق افتاد و آنچه را وعده می دادند محقق نشد. متقابلاً تقریباً همه هشدارهای منتقدان دلسوز متأسفانه رخ داد. ظاهراً همه تحلیل گران و جناح های سیاسی در این واقعیت که رژیم صهیونیستی در تجاوز اخیر به ایران روی نارضایتی های گسترده و شکاف موجود میان حاکمیت و مردم حساب باز کرده بود، اتفاق نظر داشتند. آن نارضایتی ها و اعتراضات، ناشی از زیاده خواهی ملت یا توطئه خارجی نیست. کوتاهی ها و قصورهای فردی مدیران نیز نمی تواند چنین سطح وسیعی از نارضایتی را پدید آورد که دشمن را به طمع اندازد. ریشه این نارضایتی ها باید در شیوه حکمرانی و سیاست ها و رویکردهای کلان در اداره کشور در سطوح داخلی و خارجی دید که انبوهی از بحران ها و مشکلات را بر کشور تحمیل کرده است. مواجهه عاقلانه با این واقعیت، تلاش پیگیر برای تقویت ظرفیت ها و توانمندی ها و عزمی صادقانه در پذیرش خطاها و اصلاح مسیر گذشته است.» او با تشریح شرایط پس از جنگ ۱۲ روزه، تأکید کرد: «بیابنه اخیر جبهه اصلاحات در چنین متن و فضایی صادر شد و هدف از آن چنان که گفتم اساساً طرح مطالبات یک جریان سیاسی نبود، چرا که اگر بنا بر طرح مطالباتی بود که حاکمیت آماجگی پذیرش آن را کردار حتی در خواست مرخصی زندانیان سیاسی با قطع بودجه های کلان نهادهای حکومتی و وجودشان هیچ فایده ای برای جامعه ندارند، منطقی به نظر نمی رسد، هدف از این بیابنه تأکید بر ضرورت تغییر رویکرد در فرصت محدود پیش رو از موضع

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه نگار

↓

سمفونی خطوط

محمدرضا ثقفی

انتقال آب طالقان به تهران تا سه ماه آینده



آداب مهمان نوازی

درباره عکسی از وضعیت اسفناک دریافت ویزای چین

عکس را که دیدم گمان کردم زبانم لال زلزله آمده است. اما نه! شهر در امن و امان است و اگر فوران کوه دماوند را بی خیال شویم تا لحظه نگارش این متن خبری از هیچ بلیه طبیعی در تهران نیست. وضعیت اسفناک این آوارگان در حقیقت صف انتظار برای دریافت ویزای چین است. تا آنجا که ما می دانیم بیشتر افرادی که به کشور دوست و برادر چین سفر می کنند، مقصودشان از سفر، تجارت است. ممکن است در این بین توریست و دانشجو ... هم باشد. اما از روی کف خوابی خیابان و فیلم های منتشرشده از وضعیت عجیب این روزهای سفارت چین در تهران مشخص است که پای پول در میان است. نمی خواهم بگویم پول چرک کف دست است و ادای درویشی دریاورم. تجارت کردن خوب است بر مکنرش لعنت. اما تجارت کردن آداب دارد. تاریخ و ادبیات ما پر است از قصه هایی که راه و رسم تجارت را یادمان داده اند. تا جایی که ما خواننده ایم تاجر همیشه مورد احترام بودند

و این فروشنده است که باید جور خریدار را بکشد.
هی می خواهم خودم را دلداری بدهم بگویم حکما تقاضا آنقدر زیاد است که عرضه به چنین روزی افتاده است. با این حال همین که دوباره چشمم به عکس و فیلم ها می افتد، دوست دارم بنویسم گور پدر ویزایی که بخواد با این فقرات صادر شود.
اما نه این چه حرفی است. کسی چه می داند، شاید کار این بنده های خدا گیر همین ویزا باشد.
شاید جنسی خریده باشند و مشتری شان معطل معامله ای است که یک طرفش روی زمین و هوا مانده.
شاید دانشجویی است که کلاس هایش شروع شده.
شاید معشوقی است که پی عشق اش می گردد و... حالا که به اینجا ی کار رسیده ام به این فکر می کنم که نمی شد این جماعت خیلی محترم اسم هایشان را روی برگه ای می نوشتند و سر موقع به سفارت مراجعه می کردند. نمی شد کسی اپلیکیشن نوبت دهی ریلیز کند و بساط این نکبت را بر چیند.
اصلاً طرف چینی که می بیند این همه ارباب رجوع دارد چرا فکری نمی کند؟
اگر عین خیالش نیست چرا وزارت خارجه به قضیه ورود نمی کند و سفیر را نمی خواند که فکری به حال این اوضاع بلیشو کند.
توجه کنید که صدی نود مردمی که با این وضع در صف انتظار ایستاده اند مهاجر و پناهنده و... نیستند.
کف کف ماجرا این است که این مردم قرار است به چین بروند و پول خرج کنند و برگردند. یک نفر باید به طرف چینی بگوید آداب مهمان نوازی که هیچ، لااقل آداب مشتری مداری نگه دارید.

